زن شرور دو بار زندگی می‌کند

کاری از تیم :

Flaxen Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

مترجم :

Akane

ویراستار :

Lilac

کلینر :

Castlan_A

تایپیست :

لاکس

The Villainess Lives Twice

پنج تمبری: Park Jinwoo, Kim Dalhae | طراح: Peachberry
نویسنده: Han Mint

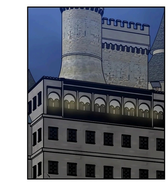

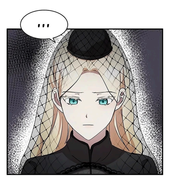

اغلب مرگ اینور اشخاص باعث تغییر قدرت می‌شد...

و تهیه‌کردن‌های اولیه‌اش رو شروع می‌کند.
شب کاخ هم اقتصاد امپراتوری رو نیز و رو می‌کند.

ولی این تشییع جنازه فرق داره.

تو اعتراض که کوشه کوشه‌ی قلعه رو تو خودش فرو برده.
همون دمی آشنای عزاداری هم شده وجود داره.

فهمی که مردم اینا نهش تا ت دارن اینه که...
نهش به نیلم به فرایند نگاه کردن، نه اشتباه.

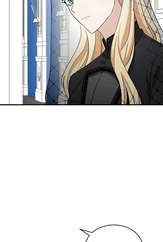
می‌تونین جسد رو ببینین؟

باید ببینمش؟
باز کردن
اینجا رسمه که ارباب به مدال رو پیشونی مرده بذاره.

و از اونجایی که گرد دوک اینجا نیستن، شما باید این کارو انجام بدید.
نه! نمی‌تونم. من به‌جای شما انجامش می‌دم.

نه،
خودم انجامش می‌دم.

قدم
قدم
قدم

گذاشتن

کارتون خوب بود.

دنگ.
دنگ.

بلند کردن
یکی یکی بیرون شوید.

آه...
عزیزم...

بانو.

لطفا به اتاقتون برگردین.
به استراحت بیشتری احتیاج دارین.

اوبری کجاست؟

اوبری...
اون توی معبده.

نکنه می‌خواین برین اونجا؟
برگشتن
بانوی من!

تقصیر شما نبود.
گرند دوک مجازاتش کردن.
مجازات کاری که کرد، مرگ بود.

می‌دونم.
آه

ولی امروز
فرق داره.

اونا نونشون
رو بیاطر من از
دست دادن.
ازدواجی که
فقط دو سال
دووم داره،

لایق این‌همه
قربانی نیست.
و الان من
مسئولشم.

دلمی اگه منت دوم از
پشم سرریک، عقبانه،
عزیزب کافی بشم،
هنوز شانشه نمی‌شم.
چون همسرشم.

برای اوپری
هم باید همین‌طور
می‌شد.
نقشش نبود
بمیره.

بیاطر همین، این
تصمیم گرفد دوک...
غیرمنتظره بود.

ولی قبل از اون...
آه
فقط امروز...

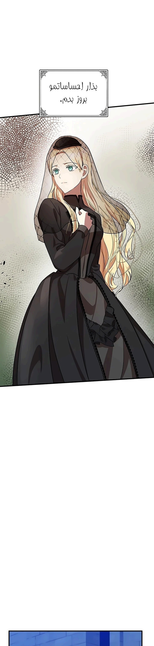
بذار احساساتمو
بروز ندم.

قدم
قدم
قدم

خانم مل چرت!
!
آه، بانوی من

زانو
زدن

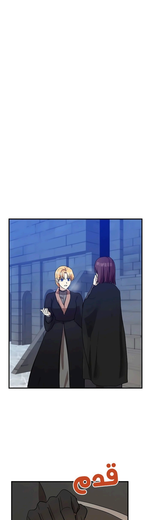
مل فرمانده
چرو و غمر تلوانیه تعدن
شرطی پورت
عنوانش رو از
رحمت باز و تبدیل
به به فرد معمولی
کند.

اگه این اتفاق نمی‌افتاد، اونو می‌تونستم در آپارتمان...
با عنوان گشتمی هدیه‌ی روک تلفیق، وارث گشت آروون باشد.

بلند شو.

فکر می‌کردم...
کسی که قراره ملاقات کنیم آروون یا مادرگلارت باشه.
پدرم برای گشت‌زنی رفته و مادرمم بیمارد.

گشت‌زنی برای مردی به سن آروون سخت نیست؟
بهش عادت کرده.

گفت می‌خواد با تم از خشمغاهای که تو تربیت قرارشی کرده رو جبران کنه.

که اینطور...

کسی دارشون...

گذاشتن

متاسفم.

اوبری لکه‌ی ننگ خانواده‌ی جردنه.

!

من و والدینم... تو بزرگ کردنش اشتباهات زیادی داشتیم.

شاید بهانه‌تراشی به نظر بیاد، ولی...

روزی که اون به دنیا اومد، خبر کشته شدن گرید دوک سابق رو بهمون دادن.

پس اون بچه‌ای بود که به‌دنیاش به دنیا اومد.

به این فکر می‌کردم که می‌تونم تو روز تولدش با یه بالشت خفه‌ش کنم.

به دنیا اومدن یک بچه تو خانواده‌ی جردن...

اونم زمانی که احتمال جنگ با امپراتوری وجود داشت، یه مسئله‌ی دست‌وپاگیر بود.

پس فکر کردم بهتره قبل از اینکه کسی بفهمه، بمیره.

بانوی من، ممنون که بخاطرش متاسفید.

شما مثل باقی اشراف‌زاده‌ها نیستید. اونا هیچ کار خاصی بجز...

پوشیدن لباس‌های قشنگ، و انجام کارایی که دوست دارین، نمی‌کنن.

فهمیدم

اوبری خیلی نابالغ بود.

فکر می‌کرد می‌تونه هنسر گرید دوک بشه.

هر چند... وقتی فهمیدم که کار از کار گذشته بود.

کاش وقتا مردم بر اساس باورهای خودشون زندگی می‌کنن نه تربیت خانوادگیشون.

نه... هستن کسانی که با وجود تربیت خوشون خوابی می‌بینن.

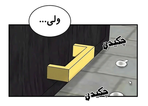
ولی...
تکه‌ی
تکه‌ی

شاید اون بچه می‌تونست عوض بشه...

و خواهرم بزرگتر خوبی برای جودی.
نباید به خودت شک کنی.

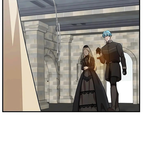
ظالم شدن

خداحافظیتون با ندیمه نموم شد؟

کشیش؟

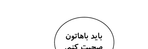

باید باهاتون صحبت کنم.
لطفاً با من بیاید.